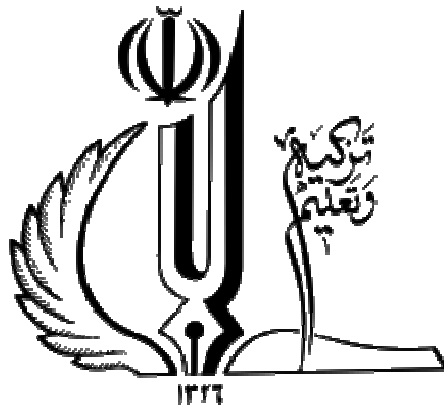


سلامت و رفاهیت



دانشگاه تبریز

پردیس بین المللی ارس

گروه حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق خصوصی

مطالعه تطبیقی اسباب حجر در حقوق ایران و فقه عامه

استاد راهنما

دکتر ابراهیم شعاریان ستاری

استاد مشاور

دکتر سید محمد تقی علوی

نگارش

زهرة کرمی

شهریور ۱۳۹۳

تعهدنامه

عنوان پایان نامه: **مطالعه تطبیقی اسباب حجر در حقوق ایران و فقه عامه**

اینجانب **زهرة كرمی** دانشجوی دوره **کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی** دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز تحت راهنمایی استاد راهنما **دکتر ابراهیم شعاریان** و استاد مشاور **دکتر سید محمد تقی علوی** با تعهد به رعایت موارد ذیل، اقرار و اذعان می‌نمایم:

- ۱- تحقیقات و نتایج ارائه شده در این پایان‌نامه حاصل مطالعات علمی اینجانب بوده، مسئولیت صحت و اصالت مطالب مندرج در آن را به طور کامل برعهده می‌گیرم.
- ۲- در خصوص استفاده از مطالب و پژوهش‌های محققان دیگر به مرجع مورد نظر استناد شده است.
- ۳- مطالب مندرج در این پایان‌نامه را اینجانب یا فرد دیگری به منظور اخذ هیچ نوع مدرک یا امتیازی تاکنون به هیچ مرجعی تسلیم نکرده است.
- ۴- کلیه حقوق معنوی این اثر به دانشگاه تبریز تعلق دارد. مستخرج از پایان‌نامه، ذیل نام به چاپ خواهد رسید. دانشگاه تبریز (University of Tabriz)
- ۵- حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی پایان‌نامه تأثیرگذار بوده‌اند در مقالات مستخرج از پایان‌نامه رعایت خواهد شد.
- ۶- چنانچه بعد از جلسه دفاعیه محرز گردد که مطالب پایان‌نامه به صورت کلی یا جزئی مورد سرقت علمی قرار گرفته است، نسبت به ابطال مدرک تحصیلی حق هیچگونه اعتراض و ایرادی نخواهم داشت.

تاریخ ۱۳۹۳/۶/۲۲

نام و امضاء دانشجو

زهرة كرمی

تقدیم به

من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق

این اثر را در زندگی ام تقدیم می‌کنم به ارواح طیبه شهداء این مرز و بوم که امنیت و آسایش کنونی،

مرهون جان فشانی‌های آنان است.

حمد و سپاس

ضمن حمد و سپاس خداوند منان و درخواست توفیق، شایسته است برای اثبات بیشتر اهمیت ویژه

حمایت الهی حقوقی از اشخاص در حقوق اسلام به بیان امیر مؤمنان استناد شود که فرمودند در دیدگاه من حکومتی

که در آن از حقوق مردم حمایت نشود، از کفش کمنه کم ارزشتر است.

سپاس و درود فراوان تقدیم اساتید بزرگوارم علی الخصوص اساتید راهبها و مشاور که در فرایند این تحقیق و

پژوهش نقش داشتند و با سه صدر و راهبانی الهی خود در ایجاد این اثر همواره باعث دلگرمی من بوده اند و از

خداوند متعال آرزوی توفیق روز افزون برای ایشان خواستارم.

نام: زهره	نام خانوادگی: کرمی
عنوان پایان نامه: مطالعه تطبیقی اسباب حجر در حقوق ایران و فقه عامه	
استاد راهنما: دکتر ابراهیم شعاریان ستاری	
استاد مشاور: دکتر سید محمد تقی علوی	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: حقوق خصوصی
دانشگاه: تبریز - پردیس بین المللی ارس	
تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۳۹۳/۰۶/۳۱	تعداد صفحه: ۱۲۲
واژه‌های کلیدی: حجر، اسباب حجر، صغیر، سفه، مفلس، مجنون	

چکیده:

در این تحقیق در نظر داریم تا حجر و اسباب آنرا در حقوق ایران، و فقه عامه به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار دهیم و نقاط اشتراک و افتراق این مباحث را در این دو حوزه شناسایی و ارزیابی کنیم و به این سؤال پاسخ دهیم که آیا قوانین ایران با فقه عامه در مبحث حجر یکسان یا متفاوت می‌باشد و همچنین با مقایسه آنها بهترین و کارآمدترین قاعده را در اجرا مشخص نماییم و بدین منظور در اینجا به بررسی کلیات حجر که شامل اسباب حجر و اقسام محجورین و علت حمایت قانونگذار از اینگونه افراد و وضعیت حقوقی محجورین را در حقوق ایران و فقه عامه بطور گسترده مورد مطالعه قرار داده که با مقایسه آندو، لزوم بررسی تطبیقی موضوع محرز می‌گردد. با مطالعات تطبیقی امکان دسترسی به نظریات علماء و فقهای بزرگ امامیه و قوانین مدون از جمله قانون مدنی، قانون تجارت، قانون امور حسبی که بیشترین مواد آن برگرفته از فقه اسلامی است و بررسی منابع راجع به موضوع این تحقیق می‌تواند به عنوان تحقیقی تطبیقی مفید و سودمند باشد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۴	فصل اول
۵	مبحث نخست: اهلیت
۵	گفتار اول: مفهوم و اقسام اهلیت
۵	الف) مفهوم عام و خاص اهلیت
۵	ب) اهلیت تمتع (دارا شدن حق)
۶	ج) اهلیت استیفا (اجرای حق)
۶	گفتار دوم: مراحل مختلف اهلیت
۷	گفتار سوم: مبنا و اوصاف اهلیت
۷	الف) مبنای حقوقی اهلیت تمتع
۸	ب) مبنای حقوقی اهلیت استیفا
۸	گفتار چهارم: امری بودن قواعد مربوط به اهلیت
۹	گفتار پنجم: اصل یا استثناء بودن اهلیت
۹	گفتار ششم: شرایط اهلیت تصرف
۹	الف: موارد عدم اهلیت تملک در قراردادها
۱۰	ب) اهلیت و جواز تصرف در اموال
۱۰	ج) اهلیت قبض گیرنده
۱۱	فصل دوم
۱۲	مبحث نخست - حجر
۱۲	گفتار اول: مفهوم حجر
۱۲	الف) معنای لغوی حجر
۱۳	ب) معنای اصطلاحی حجر
۱۴	اول - حجر در اصطلاح فقه
۱۵	دوم - حجر در اصطلاح حقوق
۱۶	گفتار دوم: مبنای حجر ودلائل فقهی و حقوقی حجر
۱۷	الف) دلائل فقهی حجر
۱۷	اول - آیات

۱۷	دوم - احادیث و روایات
۱۹	(ب) دلائل حقوقی حجر
۲۰	گفتار سوم: موضوع حجر
۲۰	گفتار چهارم: اقسام حجر
۲۰	الف) حجر عام و خاص
۲۱	(ب) حجر حمایتی و حجر سوءظنی
۲۱	دوم- قواعد و ضوابط مشترک
۲۲	(پ) حجر قانونی و حجر قضایی
۲۳	(ت) حجر مبتنی بر فقدان اراده و حجر مبتنی بر نقص اراده
۲۳	(ث) حجر در امور مالی و حجر در امور غیر مالی
۲۴	(ج) حجری که غایت معینی دارد و حجری که غایت معینی ندارد
۲۴	گفتار پنجم: مستندات احکام حجر
۲۵	گفتار اول: حکمت تشریح
۲۶	گفتار دوم: ادوار فقهی حجر
۲۶	الف) در فقه شیعه
۲۷	(ب) در فقه اهل سنت
۲۸	گفتار سوم: اسباب حجر
۲۹	الف) اسباب حجر در فقه اسلامی و امامیه
۳۰	(ب) اسباب حجر در فقه عامه
۳۱	(ج) اسباب حجر در حقوق موضوعه
۳۱	اول- ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی
۳۲	دوم- سببهایی که در ماده ۱۲۰۷ ق.م ذکر نشده است
۳۳	(د) اختلاف فقهاء
۳۵	مبحث سوم- انواع محجورین و حدود حجر آنها
۳۵	گفتار اول: صغیر و حدود حجر او
۳۶	الف) مفهوم صغیر
۳۶	اول- معنی لغوی صغیر
۳۶	دوم- معنی اصطلاحی صغیر
۳۷	(ب) اقسام صغیر

۳۷	اول- صغیر غیر ممیز
۳۷	دوم- صغیر ممیز
۳۸	سوم- تردید در وصف تمیز
۳۹	چهارم- رشد صغیر
۴۰	پ) نقش تمیز در مسئولیت
۴۱	ت) نقش تمیز در اعمال حقوقی
۴۲	ث) بلوغ
۴۲	اول- مفهوم بلوغ
۴۲	دوم- بلوغ در قانون مدنی
۴۴	سوم- بلوغ در فقه عامه
۴۴	۱- بلوغ در مذهب حنفی
۴۵	۲- بلوغ در مذهب شافعی
۴۵	۳- بلوغ در مذهب حنبلی
۴۶	۴- بلوغ در مذهب مالکی
۴۹	سوم- بلوغ و ضمانت اجرای آن در معاملات
۴۹	گفتار دوم: سفیه (غیر رشید) و حدود حجر او
۴۹	الف) رشد
۴۹	اول- تعریف رشد
۴۹	۱- تعریف رشد در منابع فقهی
۵۰	۲- رشد از نظر اهل سنت
۵۲	۳- رشد در قانون مدنی
۵۵	ب) مفهوم غیر رشید (سفیه)
۵۵	اول- تعریف غیر رشید (سفیه)
۵۷	دوم- رابطه سفیه با سایر اسباب حجر
۵۷	۱- سفیه و صغیر
۵۸	۲- سفیه و مجنون
۵۸	سوم- نقش حکم دادگاه در حجر سفیه
۶۱	گفتار سوم: مجنون و حدود حجر او
۶۱	الف) مفهوم مجنون

۶۱	اول- تعریف جنون و مجنون
۶۲	دوم- درجات جنون
۶۲	سوم- بیماران روانی از منظر قانون
۶۶	(ب) اقسام مجنون در فقه وقانون مدنی
۶۷	(ج) آنچه در حکم جنون است
۶۷	گفتار چهارم: تاجر ورشکسته و ارتباط آن با حجر
۶۷	(الف) تردید در محجوریت تاجر ورشکسته
۷۰	(ب) بررسی آثار حکم ورشکستگی نسبت به تاجر ورشکسته
۷۱	(پ) ورشکستگی در حقوق ایران
۷۲	(ت) ماهیت حقوقی منع مداخله
۷۳	(ث) ضمانت اجرای منع مداخله
۷۵	فصل سوم
۷۶	گفتار اول: مسئولیت مدنی
۷۶	(الف) مسئولیت مدنی محجور
۷۷	اول- مسئولیت مدنی صغیر
۷۷	۱- ماده ۱۲۱۷ قانون مدنی
۸۰	۲- ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی درباره صغیر
۸۱	دوم- مسئولیت مدنی غیر رشید
۸۲	سوم- مسئولیت مدنی مجنون
۸۲	۱- قاعده کلی
۸۲	۲- ماده ۷ مسئولیت مدنی در باره مجنون
۸۳	(ب) مسئولیت مدنی سرپرست محجور
۸۴	اول- تقصیر سرپرست
۸۴	دوم- عدم تقصیر سرپرست
۸۵	گفتار دوم: آثار حجر بر اعمال حقوقی
۸۵	(الف) آثار حجر بر اعمال حقوقی محجورین
۸۵	اول- اعمال حقوقی صغیر
۸۵	۱- اعمال حقوقی صغیر در فقه اسلامی شیعه
۸۷	۲- اعمال حقوقی صغیر در فقه عامه

۸۸	۳- اعمال حقوقی صغیر در حقوق موضوعه.....
۸۸	۳-۱- ماده ۲۱۲ اق مدنی.....
۹۰	۳-۲- قبول وکالت.....
۹۱	۳-۳- قبول عاریه.....
۹۲	۳-۴- قبول ودیعه.....
۹۳	۳-۵- قرارداد کار.....
۹۴	۳-۶- ازدواج.....
۹۷	۴- ضمانت اجرای حجر صغیر.....
۹۸	دوم- اعمال حقوقی غیر رشید.....
۹۹	۱- دیدگاه قانون مدنی و نظر استادان.....
۹۹	۲- دیدگاه فقه امامیه و فقه عامه.....
۱۰۱	سوم- اعمال حقوقی مجنون.....
۱۰۲	۱- نکاح مجنون در حقوق ایران و فقه عامه.....
۱۰۳	۲- ازدواج کسی که بیماری روحی دارد.....
۱۰۵	۳- ضمانت اجرای عدم اهلیت مجنون.....
۱۰۵	(ب) وقایع حقوقی.....
۱۰۵	اول- مفاد قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی.....
۱۰۶	دوم- شرط ایجاد مسئولیت.....
۱۰۷	گفتار سوم: آثار حجر بر اقامتگاه محجور.....
۱۰۷	الف) اقامتگاه محجور.....
۱۰۸	ب) اقامتگاه زن شوهر دار محجور.....
۱۰۸	ج) تأثیر حجر شوهر بر اقامتگاه زن.....
۱۰۸	گفتار چهارم - دامنه حجر.....
۱۰۹	پیشنهادات.....
۱۱۱	نتیجه.....
۱۱۴	منابع.....

فهرست اختصارات

بدون تاریخ	بی تا
بدون ناشر	بی نا
جلد	ج
چاپ	چ
شماره	ش
صفحه	ص
رجوع کنید به	ر.ک
قانون اساسی	ق.ا
قانون آیین دادرسی کیفری	ق. آ. د.ک
قانون آیین دادرسی مدنی	ق. آ. د. م
قانون امور حسبی	ق.ا.ح
قانون تجارت	ق. ت
قانون ثبت احوال	ق. ث. ا
قانون مدنی	ق. م
قانون مسئولیت مدنی	ق.م.م
میلادی	م
هجری شمسی	ه.ش
هجری قمری	ه.ق

ما در این تحقیق در نظر داریم تا حجر و اسباب آنرا در حقوق ایران، و فقه عامه به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار دهیم و نقاط اشتراک و افتراق این مباحث را در ایندو حوزه شناسایی و ارزیابی کنیم و به این سئالات پاسخ دهیم که:

- محجورین به چه کسانی اطلاق می‌گردد و مهمترین مسائل آنها چیست؟ و اسباب و آثار حجر کدام است؟

- تأثیر حجر بر مسائل اجتماعی و رفتاری و معاملات محجور چگونه است؟

- آیا قوانین ایران با فقه عامه در مبحث حجر یکسان است؟

- معیار و ضابطه تشخیص حجر در نظام‌های مورد مطالعه کدام است؟

- هدف قانونگذار از ایجاد ممنوعیت برای محجور چیست؟

همچنین با مقایسه آنها بهترین و کارآمدترین قاعده را در اجرا مشخص نماییم و بدین منظور در اینجا به بررسی مفاهیم اهلیت، عدم اهلیت، حجر و مبانی آن، اسباب حجر و اقسام محجورین و علت حمایت قانونگذار از اینگونه افراد و وضعیت حقوقی محجورین در حقوق ایران و فقه عامه با استفاده از کتب و منابع دیگر همچون نرم‌افزارهای فقهی حقوقی و سایت‌های اینترنت و مقالات و مجلات مختلف بطور گسترده مورد مطالعه قرار گرفته که با مقایسه آن‌دو، لزوم بررسی تطبیقی موضوع محرز می‌گردد.

مبحث اشخاص و محجورین از مباحث مهم و بنیادین حقوق مدنی است. هدف حقوق در واقع تنظیم زندگی اشخاص است بنابراین می‌توان اشخاص را موضوع علم حقوق تلقی کرد. بجاست که بحث از اشخاص نخستین مبحث حقوق مدنی باشد چون گروهی از اشخاص به حکم قانون محجور شناخته شده‌اند، یعنی نمی‌توانند بدون دخالت دیگری امور خود را اداره کنند و اعمال حقوقی انجام دهند و حمایت از آنان مورد توجه قانونگذار واقع، و مقرراتی بدین منظور وضع شده است که مورد بررسی قرار

خواهد گرفت و محجور یک عنوان حقوقی است که در برگیرنده دایره بزرگی از بایدها و نبایدها، با آثار مهم و تأثیرگذار بر افراد جامعه است با وجود این عنوان در عرف جامعه چندان شناخته شده نیست در دنیای حقوق جزء مفاهیم پرکاربرد و مهم محسوب می‌شود بنابراین آشنایی با برخی جنبه‌های این موضوع از اهمیت زیادی برخوردار است. یکی از این جنبه‌ها مسئولیت کسانی است که سرپرستی محجوران را برعهده دارند.^۱

اشخاص اگرچه از حیث توانایی برخورداری از حقوق، ممکن است در شرایط یکسانی قرار داشته باشند، اما از حیث توانایی اعمال و اجرای آن شرایط برابری ندارند. بعضی از اشخاص چون دارای اهلیت تام هستند توانایی اعمال و اجرای حقوق خویش را دارند، اما بعضی دیگر از اشخاص به دلیل نداشتن اهلیت کافی، محجور نامیده می‌شوند لذا آنان نمی‌توانند، مستقیماً حقوق خویش را اعمال کنند.

برای اداره امور حقوقی این دسته از اشخاص نظام‌های مختلف حقوقی تدابیری اندیشیده‌اند تا حقوق آنان مورد تضییع قرار نگیرد. در نظام حقوقی ایران نیز توجه ویژه‌ای به حقوق محجورین شده است؛ هرچند محجورین اصطلاحی است که در مورد قشر خاصی از اشخاص به کار برده می‌شود و از نظر مفهومی، آنان نیز در زیر مجموعه مبحث اشخاص قرار می‌گیرند، اما به لحاظ آن که در خصوص محجورین، قواعد ویژه‌ای وجود دارد لذا حقوقدانان ترجیح می‌دهند بخش مستقلی را به بررسی مفهوم حجر اختصاص بدهند و با توجه به اینکه این اشخاص بنا به دلایلی نیازمند حمایت‌های قانون هستند قلمرو حقوق و تکالیف آنان و نحوه اجرا و اعمال آن، با سایر اشخاص متفاوت است.^۲

دیدگاه اسلام بر مبنای اصول و قواعد حقوقی است به گونه‌ای که در هیچ‌یک از ادیان الهی، این دید با چنین وسعت و عظمتی وجود نداشته است. با توجه به این مبنا، کیان خانواده جزو محورهای اساسی در جامعه بوده و اصول ۱۰ تا ۱۲ قانون اساسی نیز مبین این قاعده کلی است و غنی‌ترین مباحث در حقوق اسلام؛ از بدو

۱. صفایی، سید حسین؛ قاسم زاده، سید مرتضی. *اشخاص و محجورین*. چاپ ۱۸. انتشارات سمت. تهران. ۱۳۹۱. ص ۱۹۷.

۲. حیاتی، علی عباس. *اشخاص و محجورین*. چاپ اول. نشر میزان. ص ۱۲.

تولد، مبحث حمایت از حقوق محجورین تا قبل از رشد و هدایت امور مالی آنان بوده به گونه‌ای که قانون مدنی که برگرفته از فقه شیعه است نسبت به حفظ حقوق محجورین و موضوع و وظایف و مسئولیت اصلی قیم دلیل غنی بودن معیار حقوقی دیدگاه اسلامی نسبت به کوچک‌ترین و با اهمیت‌ترین موضوع اجتماعی است.

اسباب حجر از نظر امامیه، شش مورد است: صغر، جنون، بندگی، مرض، فلس و سفه و فقهای اهل سنت دو مورد زوجه و رده را هم بر آن می‌افزایند ولی قانون مدنی ایران فقط جنون، سفه و صغر را موجب محجوریت می‌داند و اشخاص دیگری را محجور نمی‌شناسند، ممنوع کردن و محجور شناختن افراد دلیل می‌خواهد بنابراین نمی‌توان غیر از گروه‌های مذکور کسان دیگری را محجور دانست.

فقهای شیعه رشد و بلوغ را به عنوان لازمه‌ی خروج صغیر از حجر معرفی می‌کنند. سن مورد قبول برای احراز بلوغ در قانون مدنی به تبعیت از فقه شیعه ۹ سال قمری برای دختر و ۱۵ سال تمام قمری برای پسر دانسته است.

برخی از فرقه‌های اهل سنت با استناد به برخی از روایت‌ها، ۱۵ سالگی را سن بلوغ دختر و پسر معرفی کرده‌اند.

بیشتر فقهای شیعه، با توسل به آیه‌ی ششم سوره نساء، تمام اعمال صغیر را با اذن و بدون اذن ولی، مردود می‌دانند ولی بیشتر اهل تسنن، اعمال صغیر را منوط به اذن ولی می‌دانند. بیشتر فقهای شیعه و سنی، محجوریت سفیه را به امور مالی محدود می‌کنند و اعمال تصرفات او را با اذن ولی، صحیح قلمداد می‌کنند.

فصل اول

کلیات و مفاهیم

مبحث نخست: اهلیت

گفتار اول: مفهوم و اقسام اهلیت

الف) مفهوم عام و خاص اهلیت

اهلیت به معنی عام عبارت از صلاحیت شخص برای دارا شدن و اجرای حق و تکلیف. در این معنی اهلیت کامل مورد نظر است، اما گاهی از این کلمه فقط توانایی دارا شدن حق یا اجرای آن را اراده می-کنند و این اهلیت به معنی خاص است. در قانون مدنی هم، اهلیت بیشتر به همین معنی به کار رفته است (اهلیت اجرای حق) اهلیت (شرط دوم، مواد ۹۱۳ تا ۹۱۹ ق.م.) در واقع یکی از شرایط اساسی در صحت معاملات است.

شرایط اساسی صحت معامله: قصد و رضا،^۱ اهلیت طرفین^۲.

بنابراین کسی که اهلیت دارد به آن اهل گویند و کسی که اهلیت ندارد محجور گویند.

ب) اهلیت تمتع (دارا شدن حق)

اهلیت از نظر لغوی به معنای داشتن لیاقت و صلاحیت برای امری، شایستگی و سزاواری می‌باشد.^۳ در اصطلاح حقوقی، اهلیت در همان معنای لغوی بکار گرفته شده است یعنی اهلیت عبارت است از شایستگی و توانایی شخص برای دارا بودن اجرای حق و تکلیف. اهلیت دارا شدن حق (مواد ۹۵۶ و ۹۵۷ و ۹۵۹ ق.م.) در زبان فارسی اهلیت تمتع^۴، اهلیت تملک^۵ و اهلیت استحقاق^۶ نیز نامیده شده است.

۱. باریکلو، علیرضا، حقوق مدنی ۱، *اشخاص و حمایت‌های حقوقی از آنان*، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ پنجم، ۱۳۸۸، ص ۱۸.

۲. امامی، سید حسن. *حقوق مدنی* به نقل از علی عباس حیاتی. اشخاص و محجورین. نشر میزان. چاپ اول. ۱۳۹۱. ص ۱۸.

۳. *فرهنگ فارسی عمید*.

۴. امامی، سید حسن. *حقوق مدنی*. چاپ ۴۲. انتشارات اسلامیة. تهران. ج ۱. ص ۲۰۳ و ۲۰۴. ج ۴. ص ۱۵۱.

۵. کاتوزیان، ناصر. *مقدماتی حقوق مدنی*. ج ۱. ش ۲۸۸؛ *قواعد عمومی قراردادها*. ج ۲. ش ۲۸۴. ص ۲.

۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. *ترمینولوژی حقوق*.

حقوقدانان عرب‌زبان از آن با اصطلاح «اهلیه الوجوب» یاد کرده‌اند.^۱

ج) اهلیت استیفا (اجرای حق)

اهلیت دارا شدن حق همیشه همراه با اهلیت اجرا نیست چه ممکن است شخص حقی داشته باشد ولی نتواند آن را اجرا کند. کسی که حق دارد یا عهده‌دار تکلیفی است زمانی می‌تواند حق یا تکلیف خود را اجرا نماید که توانایی و شایستگی آن را دارا باشد. در حقوق ایران به این اهلیت، «اهلیت استیفا» یا «اهلیت تصرف» نیز گفته‌اند. چنانکه اهلیت بدون قید بکار رود منصرف به اهلیت اجراست (مواد ۲۱۰ تا ۲۱۲ و ۹۵۸ ق.م.). حقوقدانان عرب‌زبان به این اهلیت «اهلیت الاداء» می‌گویند. کسانی که فاقد این اهلیت باشند در اصطلاح حقوقی محجور نامیده می‌شوند و اهلیت استیفا براساس ماده ۲۱۱ ق.م. با بلوغ عقل و رشد حاصل می‌شود.

مطابق این ماده: برای اینکه متعاملین اهل محسوب شوند باید بالغ و عاقل و رشید باشند. برخی حقوقدانان برای اهلیت (به معنی عام) مراحل ذکر کرده‌اند که عبارت از: اهلیت جنینی، اهلیت دوران طفولیت، اهلیت دوران تمیز، اهلیت بلوغ و اهلیت رشد (اهلیت استیفا کامل) و برخی دیگر برای اهلیت سه دوره غیر ممیزی که از تولد شروع و تا پایان هفت سالگی ادامه دارد، اهلیت صغیر ممیز از اولین روز هشت سالگی تا سن رشد که در حقوق کشورها متفاوت است ادامه دارد و اهلیت رشد که در حقوق کشورهای مختلف تفاوت می‌کند.^۲

گفتار دوم: مراحل مختلف اهلیت

برخی حقوقدانان برای اهلیت (به معنای عا) و اینکه شخص در چه مرحله از زندگی قرار دارد، مراحل را عنوان کرده‌اند. این مراحل عبارت است از: اهلیت جنین (در مرحله جنینی)، اهلیت دوران طفولیت،

^۱ الحکیم، عبدالمجید. *الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید*. ج ۱. ص ۲۶۶؛ *الموجز فی شرح القانون المدنی*. ج ۱. ص ۱۰۱ و ۱۰۳.

^۲ همان.

اهلیت دروان تمیز، اهلیت بلوغ و اهلیت رشد. این تقسیم‌بندی که به تدریج با رشد قوای جسمی و دماغی، تکامل پیدا می‌کند در حقوق امروز پذیرفته شده است.^۱

گفتار سوم: مبنا و اوصاف اهلیت

انسان به عنوان شخص طبیعی، موضوع اصلی حقوق است. حتی ایجاد اشخاص حقوقی، در راستای تأمین نیازهای انسان مورد پذیرش نظام‌های مختلف حقوقی قرار گرفته است لذا تمامی قواعد حقوقی باید در جهت سعادت انسان وضع شود.^۲

در این بین بعضی از حقوق از اهمیت بیشتری برخوردارند، حق تمتع و استیفای حقوق از جمله این حقوق‌اند.

هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود لیکن هیچگونه نمی‌تواند حقوق خود را اجرا کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانون داشته باشد (م. ۹۵۸ ق.م).

و تمام قواعدی که در جهت حمایت از شخصیت، آزادی و سلامت اراده، وضع شده امری و مرتبط با نظم عمومی است و افراد نمی‌توانند برخلاف آن توافق کنند؛ بنابراین قراردادهای مربوط به سلب اهلیت تمتع و اهلیت استیفاء باطل و بلااثر است (مواد ۹۵۹ و ۹۶۰ ق.م).^۳

الف) مبنای حقوقی اهلیت تمتع

مبنای حقوقی اهلیت، انسان بودن است. همین که وجود و شخصیت انسان شکل گرفت و آدمی پا به عرصه زندگی گذاشت، توانایی دارا شدن حقوق را کسب می‌کند. حتی انسان، قبل از تولد، دارای اهلیت تمتع ناقص است و بعد از تولد تا زمان مرگ این توانایی را حفظ خواهد کرد (ماده ۹۵۶ ق.م).^۴

^۱ صفایی، سید حسین و قاسم زاده، سید مرتضی. *اشخاص و محجورین*. چاپ هجدهم. انتشارات سمت. تهران. ۱۳۹۱.

^۲ حیاتی، علی عباس. *اشخاص و محجورین*. چاپ اول. نشر میزان. ص ۱۸۳.

^۳ صفایی، سیدحسین و قاسم‌زاده سیدمرتضی. *اشخاص و محجورین*. به نقل از حیاتی، علی عباس. *اشخاص و محجورین*. چاپ اول. نشر میزان. ص ۱۸۵.

^۴ الحکیم، عبدالمجید. *الموجز فی شرح القانون المدني*. ج ۱. ص ۱۰۵ تا ۱۰۷؛ *والوسیط فی شرح القانون المدني الجدید*. ج ۱. ص ۲۶۸. به نقل از سید حسن صفایی و سید مرتضی قاسم زاده. *اشخاص و محجورین*. چاپ هجدهم. انتشارات سمت. ص ۲۰۳.

ب) مبنای حقوقی اهلیت استیفا

داشتن تمییز و درک است، زیرا اراده انشایی که برای انجام دادن اعمال حقوقی لازم و ضروری است فقط در اشخاص دارای تمییز موجود است. حال اگر تمییز شخص کامل و کافی باشد، اهلیت او نیز کامل خواهد بود مانند انسان رشید که دارای درک و تمییز کامل است و خوب را از بد و سود را از زیان تشخیص می‌دهد و معنی عقود، ایقاعات و اعمال حقوقی را درک می‌کند پس اهلیت او نیز کامل است ولی اگر تمییز شخص کامل نشده باشد بلکه فقط برخی از امور و مسائل را از همدیگر تمییز دهد نسبت به آن مسائل اهلیت پیدا می‌کند و به دیگر سخن دارای اهلیت نسبی می‌شود مانند سفیه که چون نسبت به امور مالی درک و تمییز کافی ندارد و نمی‌تواند اموال خود را به نحو عاقلانه اداره کند در این امور فاقد اهلیت است (ماده ۱۲۰۸ و ۱۲۱۴ ق.م).^۱

ماده ۹۵۹ قانون مدنی اظهار می‌دارد: هیچ‌کس نمی‌تواند بطور کلی حق تمتع و یا حق اجرا تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند.

در قانون مدنی نیز در خصوص اهلیت که آنرا جزء شرایط اساسی صحت معاملات ذکر کرده‌اند (طبق مواد ۱۳۳ تا ۹۱۸ و در ماده ۱۹۰ چهار شرط صحت معاملات، که هر عقدی بر اساس این چهار تا شرط سه حالت دارد: صحیح، باطل و غیر نافذ.

گفتار چهارم: امری بودن قواعد مربوط به اهلیت

از آنجا که قواعد مربوط به اهلیت با مصلحت جامعه ارتباط دارد و از این جهت دارای اهمیت است، این قواعد از قواعد آمره بوده و مربوط به نظم عمومی جامعه است لذا قواعدی که برای حمایت از شخصیت، آزادی و سلامت اراده فرد وضع شده امری و مرتبط با نظم عمومی هستند و افراد بر خلاف آن

^۱. همان.